

بررسی آفت‌های گفتار در آیات و روایات

سود حسین الجاهلین

سخن به میان می‌آید، خداوند پاکی از لغو و بیهوده‌گویی را یکی از ویژگی‌های برجسته آن حق تعالی از کارها و سخنان و افکار پوچ و غیر مفید دور بودند، آن گاه که به منظور یاداش، در جوار روضه جاوید خداوندی آرام می‌گیرند، مسلم است که نه لغو می‌گویند و نه لغو می‌شنوند. در حقیقت، در مجالس‌ها و محفل‌ها، ما نیز باید از چنین هم‌نشینی‌ها الگو برداریم و مانند آنان از بیهودگی دوری‌گزینیم؛ مجلسی که:

﴿لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا تَأْتِيهَا إِلَّا قِيلًا سَلَامًا سَلَامًا﴾^۴

«در آن جا سخنان بیهوده و گناه‌آلود نشوند و گفته نمی‌شود در آنجا، مگر سخنی که سلام است و سلام.»

بنابراین، آن گاه که مجالس دنیوی از سخنان بیهوده و گناه‌آلود به دور باشد، در حقیقت نسیمی از بهشت بر آن ورزیده است. در آیه‌ای دیگر نیز با اشاره به پاکی و پیراستگی مجلس بهشتیان از لغو، می‌فرماید:

﴿لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا كِذَابًا﴾^۵ «در آنجا سخن لغو و دروغی نمی‌شنوند.»

در حقیقت، این گروه در بهشتی جای دارند که ﴿لَا تَسْمَعُ فِيهَا لَغِيَةً﴾^۶ در آن سخن لغو و بیهوده‌ای نمی‌شنوند (غاشیه: ۱۱) و همین امر، وجه تفاوت مجالس بهشتی با بعضی از نشست‌های دنیوی است. در برخی مجالس دنیایی، افراد درباره وقت دیگران کمتر احساس مسئولیت می‌کنند و آن را با سخنانی لبریز می‌سازند که نه تنها نگفتن آن‌ها ضرری ندارد، بلکه وانهادن این سخنان، مفید به حال همه خواهد بود.

شاید عده‌ای کمتر به این فکر کنند که چه مقدار از گفته‌هایشان برای شنوندگان مفید بوده است؟ سخنانشان تا چه میزان از محتوا و مضمون عالی برخوردار است؟ آیا گفتارشان تاریکی جهلی را به روشنایی تبدیل کرده است؟ به علم و دانش حاضران افزوده یا فرصت‌های گران‌بهای آنان را به هدر داده است؟ با خود بیندیشیم که آیا در زندگی فقط در پی پرکردن اوقات فراغت هستیم یا به فکر استفاده بهتر از آن‌ها و اساساً چقدر می‌کوشیم تا دیگران از فرصتی که در کنار ما هستند، بیشترین و بهترین بهره‌ها را ببرند.

اگر می‌خواهیم مجالس دنیوی ما شباهت بیشتری به محفل‌های بهشتیان داشته باشد،

«و هرگاه سخن لغو و بیهوده بشنوند، از آن روی بر می‌گردانند و می‌گویند اعمال ما از آن ما و اعمال شما از آن خودتان، سلام بر شما ما خواهان جاهلان نیستیم.»

این‌گونه افراد، به سخنان بیهوده و گزاف‌گوش نمی‌دهند و ارزش وقت خود و دیگران را به خوبی می‌دانند و در برابر آن احساس مسئولیت می‌کنند. اینان از عمر گرانبهای و فرصت‌های زندگی بهترین استفاده‌ها را می‌برند تا حسرت و پشیمانی دامن‌گیرشان نشود.

خیز تا خرجه صوفی به خرابات بریم
شطح^۲ و طامات^۱ به بازار خرافات بریم
سوی زندان قلندر به ره آورد سفر
دلخ بسطامی و سجاده طامات بریم.

ویژگی مجالس خوب

در قرآن کریم وقتی از بهشت به عنوان محفل برگزیدگان و دوستداران و پاکان درگاه الهی

بیهوده‌گویی

نهی از سخن لغو و بیهوده

خداوند متعال، اسباب و عوامل دست‌یابی به علم و دانش و رسیدن به قله‌های پیراج دانایی و آگاهی را در اختیار انسان قرار داده و کلام را یکی از راه‌های انتقال دانش و فضیلت برشمرده است.

پروردگار حکیم، انسان را از گفتاری که هیچ سود و بهره‌ای برای او ندارد، بر حذر می‌دارد و در قرآن کریم، آدمیان را از بیهوده‌گویی نهی می‌کند، به گونه‌ای که شنیدن سخنان لغو را عامل بازدارنده آدمی از کمال می‌شمارد و دوری از بیهوده‌گویی را نشانه کرامت انسان می‌داند و می‌فرماید:

﴿إِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ وَقَالُوا لَنَا أَعْمَالُنَا وَلكُمْ أَعْمَالُكُمْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَا تَبْتَغِي الْجَاهِلِينَ﴾^۴



و هدایت کرده است.

امام علی علیه السلام می فرماید:

«فَانْ خَيْرَ الْقَوْلِ مَا نَفَعَ وَ اعْلَمْ أَنَّهُ لَا خَيْرَ فِي عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ»

«بهترین سخن آن است که سودمند باشد و آگاه باش علمی که سود نبخشد، در آن چیزی نیست.»

اگر همه گفته های بشر مفید باشد، پله های معرفت و پیشرفت را به سرعت می توان پیمود. بدین ترتیب، دانایان و عارفان برای عرضه دانش و عموم مردم برای گوش کردن و بهره بردن، فرصت بیشتری می یابند. گفتار مفید، شایسته محفل دانایان است و سخن پوچ و بیهوده، در این محافل راهی ندارد. جایگاه انسان در نظام آفرینش، بسیار برتر از دیگر موجودات است و او با قدرت بی مانند عقل و اندیشه خویش سزاوار است گفتار و کردار تن پر معنی و مفید و همواره از بیهودگی و پوچی پاک و پیراسته باشد.

صائب می گوید:

ناسخ از بیهوده گوئی آبروی خویش برد
سوی خون آید از افغان، مرغ بی هنگام را
شاعر دلیلی نیز گفته است:

خواهر تمام توست دولت به خویش رام
ز اندازه دار پر سر گفتار خود لجام

هرزه نفس میاش به هر جای چوین جرس
چون نای پاس دار سخن را به هر مقام.

آثار سخنان زیبا و نازیبا

سخن زیبا، آثار و برکت های فراوانی دارد و تنها نصیب کسی خواهد شد که زبان خود را به زیباگویی عادت دهد. امام زین العابدین علیه السلام، به پنج نمونه از آثار آن اشاره فرموده است:

«الْقَوْلُ الْحَسَنُ يُثْرِي الْمَالَ وَ يُنْمِي الرِّزْقَ وَ يُؤَخِّرُ الْآجَلَ وَ يُحْتَبُّ إِلَى الْإِهْلِ وَ يُدْخِلُ الْجَنَّةَ»^۷

«سخن زیبا مال و ثروت را زیاد می کند؛ روزی را افزایش می دهد؛ مرگ را به تأخیر می اندازد؛ آدمی را محبوب خانواده اش می سازد و او را وارد بهشت می کند.»

امام علی علیه السلام، نیز خوش زبانی و نیک گفتاری را موجب زیاد شدن دوستان و کم شدن دشمنان می داند و می فرماید:

«عَوْدَ لِسَانِكَ لِيْنِ الْكَلَامِ وَ بَدَلَ السَّلَامِ يَكْتُرُ مُجْبُوكَ وَ يَقِلُّ مُنْفِضُوكَ»^۸

«زبانیت را به نرم گوینی و سلام دادن عادت ده تا دوستان تو بسیار و دشمنانت اندک شوند.»

از سوی دیگر، آسیب های زبان نیز عسله بسیار مهمی است که باید به طور جدی به آن توجه کرد. بد زبانی و سخنان زشت و بیهوده از عمده ترین این آسیب هاست. بعضی افراد بر اثر پرگویی و بیهوده گوئی، ناسمجیه هر سخنی را بر زبان می آورند و به پیام های آن توجه نمی کنند. رسول خدا صلی الله علیه و آله سلم در آیه پیشین به عاقبت سخن پیش از بیان آن، می فرماید:

«مَنْ لَمْ يُحْسَبْ كَلَامَهُ مِنْ سَمَلِهِ كُنُوتٌ حَقْلِيَاءَ وَ حَضْرٌ عَدَائِيَاءَ»

«کسی که سخن خود را جزو اعمالش به حساب نیآورد و بی پروا حرف بزند، لغزش هایش بسیار و عذابش نزدیک شده است.»

تسلیین حکایت زیر در این باره بسیار آموزنده است:

آورده اند که مردی، پارچه ای زربفت و کرار برپا داشته بود. با خود اندیشه می کرد که خوب است این ملایقه زربفت را به سلطان هدیه کنم و جایزه ای بگیرم. از این رو، به دربار سلطان شتافت. اجازت ورود خواست و طاقه زربفت را تقدیم کرد.

سلطان که از آن اثر هنری زیبا خوشحال و شگفت زده شده بود، از اطرافیان خود برای چگونگی استفاده از آن نظر خواست. یکی از آنان گفت: این پارچه برای انداختن روی مرکب شما مناسب است. دیگری آن را برای پوشش تخت سلطنت مناسب تر دانست.

سومی گفت: برای پرده در کاخ سلطنتی شایسته تر است. سلطان گفت: خوب است نظر بافنده زربفت هنرمند را نیز جویا شویم، شاید نظر برتری داشته باشد. آن گاه رو به مرد پارچه باف کرد و پرسید: این پارچه زربفت برای چه مصرفی مناسب تر است؟ مرد بیچاره بدون آن که عاقبت کار و موقعیت مجلس را بسنجد، سخن بیهوده ای را بر زبان جاری ساخت و گفت: قربان! به نظر حقیر، این پارچه فقط برای انداختن روی جنازه شما مناسب است.^۹

بدین ترتیب، این شخص نه تنها خود را از گرفتن جایزه سلطان بی بهره ساخت، بلکه خطری بزرگ نیز برای جان خود خرید.



سخن زیبا، سخن دلگشا و شایسته، بزرگ برکت های بی باک است. به بیان دیگر، در صورت بهره بردن از این بافتن، نیکو طبعین خواهییم شد که نسبت های درستانه با الگوهای کوچک و بزرگ از مداری خود خواهند بود؛ همان که بی شک، خداوند نیز آن را پسندیده و بر برکت قرار داده است.

بهره یز سخن

سخن بیهوده و بی فایده، عبث و بی ارزش است. در مقابل، سخنی که به حال اشخاص و جامعه نظر اندی و منوی، دنیوی یا اخروی، فیزی یا اجتماعی سودمند واقع شود، شایسته ارزش و بزرگی و احترام است. چه بسا کلامی نیک و زندگی فرد را یک اجتماع را از گرفتاری می رهاند و رسم و آیین جاهلانته و ناپسندی را، به ادب محقول و منطقی تغییر می دهد. چنین سخنی، در پیشگاه خداوند متعال و بزرگان معرفت و دانش، ارزشمند است. وقتی کلامی، فردی گمراه و منحرف از حق را به راه سعادت و هدایت آورد، گوئی همه انسان ها را نجات داده

پیامدهای سخنان لغو و بیهوده بدیهی است وقتی سخن خوب، هدایت کننده است، سخن بیهوده نیز می تواند گمراه کننده باشد.

خداوند متعال می فرماید:

يَوْمَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ...^{۱۱}

«و برخی از مردم، سخنان بیهوده سرگرم کننده را می خرند تا مردم را از روی نادانی، از راه خدا گمراه سازند.»

مردم دانا همیشه به سخنان مفید علاقه مندند و از گفته های لغو پرهیز می کنند. از این رو، اگر کسی در همه حال بیهوده گوئی کند، از اطراف او پراکنده می شوند و شخصیت او نیز تحقیر می شود. امام علی «علیه السلام» می فرماید:

«كَثْرَةُ الْهَذَرِ يَكْسِبُ الْعَارَ»؛ «بیهوده گوئی زیاد، ننگ و عار به بار می آورد.»^{۱۲}

بسا خودنمایان بیهوده گوی که باشند در بزمگهر زمجوی اگر شخصی سخن نیک و سودمند برای گفتن ندارد، بی شک سکوت او، هم برای خود و هم برای مردم بسیار بهتر و سزاوارتر است. چون نداری کمال فضل، آن به که زبان در دهان نگه داری آدمی را زبان فوضیحه کند جوز بی مغز را سبک ساری.

سعدی

سکوت فرد بیهوده گو، در حقیقت فرصت خوبی را برای دانایان مجلس فراهم می سازد تا در پرتو سخنان حکمت آموز خود، بهره و فیض لازم را به دیگران ببخشند.

باید هر کس به سهم خود، بکوشد گفتار بیهوده بر زبان نراند و این هرگز امکان پذیر نیست، مگر این که زبان آدمی در همه حال به فرمان او باشد. پیش از بیان هر چیز، آن را بر عقل و اندیشه اش عرضه کند و در صورت صلاح دید، آن را بر زبان جاری سازد. در این حال، چه بسا گفتن سخن، عین صواب است و ترک آن، جفا و ستم بر دیگران.

حضرت علی «علیه السلام» در کلامی آموزنده می فرماید:

«لَا تَقُولَنَّ مَا يُوَافِقُ هَوَاكَ وَإِنْ قُلْتَهُ لَهْوًا أَوْ خِلْتَهُ لَقْرًا قُرْبَ لَهْوٍ يُوْجِشُ مِنْكَ خُرًّا وَ لَقْرٍ يَجْلِبُ عَلَيْكَ شَرًّا»^{۱۳}

«هر آنچه را موافق و دلخواه هوای نفس

توست، مگو و اگر سخنی از سر لهو یا بیهودگی بگویی چه بسا یک سخن سست، آزاد مردی را از تو برنجانند و یک حرف بیهوده، بد کرداری را علیه تو بشوراند.»

مگو آنچه بدخواه چون بشنود ز گفتار بیهوده شادان شود

فردوسی
کرامت جوانمردی و نان دهی است
مقالات بیهوده طبل تهی است

سعدی
حضرت علی «علیه السلام» در توصیه دیگری، ارائه سخن را به در نظر گرفتن زمان و مکان وابسته می داند و می فرماید:

«لَا تَتَكَلَّمَنَّ إِذَا لَمْ تَجِدْ لِلْكَلامِ مَوْقِعًا»؛ «آن گاه که برای سخن زمان و مکان مناسبی نمی یابی، ساکت و خاموش باش»^{۱۵}

البته سکوت و پرهیز از سخنان بیهوده، برای سه گروه سودمند است: اول، خود شخص که عیب او بر ملا نمی شود و کسی از او آزرده دل نمی گردد؛

دوم، دانایان که فرصت می یابند تا مرور آید سخن عرضه کنند و سیاهی جهل را به صبح صادق و سپیده سخن پیوند زنند؛
و سوم، شنوندگان که در پرتو سخنان حکیمانه ره به سلامت و سعادت می سپارند.

نوع برخورد با بیهوده گویان

اگر انسان در مسائل رفتاری سنجیده و مناسب عمل نکند، پیامدهای ناخوشایندی به همراه می آورد. درگیری لفظی و بحث با فرد بیهودگو، بی گمان به ضرر دانایان می انجامد. مجادله با بیهوده گو، نه تنها او را اصلاح نمی کند، بلکه لجاجت و بی احترامی او را بر می انگیزد، سعدی می گوید:

جالینوس ابلهی را دید دست در گریبان دانشمندی زده بود و بی حرمتی همی کرد. گفت: اگر این دانا بودی، کار وی با نادان بدین جانرسیدی.

دو عاقل را نباشد کین و بیکار نه دانایی ستیزد با سبک بار

اگر نادان به وحشت سخت گوید خردمندش به نرمی دل بجوید^{۱۶}

خداوند در قرآن کریم روش برخورد با بیهوده گویان را چنین می آموزد:

«وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا»^{۱۷}

«و کسانی که به باطل و دروغ شهادت نمی دهند و هنگامی که با لغو و بیهودگی برخورد کنند، بزرگوارانه می گذرند.»

پروردگار در آیه های ۶۳ تا ۷۶ سوره فرقان، صفات بندگان خاص خدای رحمان را بر می شمارد که یکی از آن ها برخورد کریمانه و صبورانه با بیهودگی است. این نوع رفتار، از یک سو می تواند نشانه نارضایتی فرد از مسئله ای بدون پرخاش و مجادله باشد تا شخص بیهوده گو به زشتی کار و گفتار خود پی ببرد و از سوی دیگر، این نوع رفتار برای همگان جذاب و دلپذیر است. اساساً فرد کریم با این بی توجهی و نارضایتی، اعلام می کند که از بیهوده گویان نیست و از آن ها بیزار می جوید.

باید به کسانی که به پرگویی و بیهوده گوئی مبتلا هستند، فهماند که انسان عاقل در مسیر زندگی و انجام دادن کارها باید هدف عاقلانه داشته باشد و از سخنان ناروا به شدت پرهیزد. سخن خوب، برخاسته از فکر و اندیشه سالم و پویاست. قدرت تفکر و اندیشه یکی از گران بهاترین نعمت های الهی است و شایسته است که انسان پیش از هر کاری درباره پیامدهای آن به خوبی بیندیشد و جنبه های نیک و بد آن را به درستی ارزیابی کند، چنانچه انجام دادن آن را مصلحت دید، اقدام کند، وگرنه از پرداختن به آن چشم پیوشد.

پی نوشت ها:

۱. سوره قصص (۲۸) آیه ۵۵
۲. کلمه ای که بوی خود پستی بدهد.
۳. ادعای بزرگ و دعوی کرامت ها.
۴. سوره واقعه (۵۶) آیه ۲۵ و ۲۶
۵. سوره نیا (۱۰) آیه ۳۵
۶. تهج البلاغه، نامه شماره ۳۱
۷. قطران الانوار، ج ۱، ص ۳۱۰
۸. شرح حرر الحکم و حرر الکلم، ج ۴، ص ۳۲۹
۹. میزان الحکمه، المجلد الثالث، ص ۲۷۳، ح ۸۷۸۹
۱۰. شرح قصص، ص ۳۸۲
۱۱. سوره بقره، آیه ۲۰
۱۲. سوره بقره، آیه ۲۰
۱۳. سوره بقره، آیه ۲۰
۱۴. سوره بقره، آیه ۲۰
۱۵. سوره بقره، آیه ۲۰
۱۶. سوره بقره، آیه ۲۰
۱۷. سوره بقره، آیه ۲۰